

موضوع: تحول در حوزه های علمیه: میان ارتجاع فکری و نوآوری علمی¹

چکیده

حوزه های علمیه به عنوان یک مرکز علمی دینی در همه امور زندگی مردم نقش به سزایی دارد. و آفتی که امروزه در آن به نوعی رواج دارد، ارتجاع فکری و عدم نوآوری علمی است. ارتجاع از ماده «رجع» در لغت به معنای بازگشت به مکان و زمان و گفتار پیشین است. مخالفت کردن با جهش، انقلاب و پیشرفت در رفتارهای فردی و اجتماعی که مجموعاً همه نوآوری ایجاد کرده و خواستار برجاماندن برنظام کهنه آمده است. در تحول حوزه-های علمیه و برای رفع آفت ارتجاع فکری، صاحب نظران، باید راه حل هایی ارائه دهند. تا از خمود نجات یافته و به پویایی و محسوس بودن علوم دینی در بدنه زندگی روزمره افراد باشد. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع مکتوب کتابخانه ای و دیجیتال به این امر پرداخته و نتایج حاصله شده این که برای ایجاد تحول در حوزه های علمیه از مؤلفه های شخصیت گرایی، عدم تعقل، سکوت عالمان دین در برابر انحرافات، نگاه ابزاری به دین و غفلت از جهاد تبیین پرهیز نمود.

کلید واژه: تحول-حوزه علمیه-ارتجاع فکری-نوآوری.

مقدمه

تحول در حوزه های علمیه برای پیشرفت و نوشدن و به روز بودن مسائل نقش به سزایی دارند. چون حوزه ها به عنوان یک مرکز پویا و همیشه زنده است. شهرهایی که دارای این مراکز علمی هستند، مردم آنجا به نسبت از سطح فرهنگ و رفتار دینی خوبی برخوردار می باشند. و حوزه ها حجت دینی را بر مردم تمام کرده و این مشروط به عمل کرد صحیح علما در حوزه های علمیه که به دور از افراط و تفریط در سطح عمومی جامعه است.

حوزه های علمیه که مراکز علمی هستند باید از ارتجاع فکری به دور باشند و همه اذهان علم آموزان و طلاب را در قواعد و مسائل خیلی قبل دور به صورت حفظی خلاصه نکنند. بلکه وظیفه دارند با شیوه های مدرن علم آموزی به نوآوری علمی پرداخته و به فرموده رهبری فقه اکبر در حوزه های علمیه رواج یابد. برای رسیدن به این امر مهم کمک ساختار مجموعه ای حوزه های علمیه از معاون آموزش و اساتید و طلاب را می طلبد تا با برنامه ریزی های

1. طاهره حاجی قاسمی، طلبه سطح 4، دانشجوی ارشد تفسیر و علوم قرآن- مدرسه علمیه فاطمه بنت اسد س. 9127737365.

صحیح بتوان علامه طباطبائی و جعفری و شهید مطهری و باهنر ورئسی ها... تربیت کرد. که عملکرد علمی و تربیتی آنها از مسیر قرآن و اسلام دور نبوده و همچون پیامبران طبیب دوار بودند و به فکر جامعه دینی و انقلابی خود بودند.

مفهوم شناسی :

1. تحول

واژه «تحول» در لغت به معنی برگشت از حالی به حال دیگر آمده¹ و همچنین به تغییر بزرگ و شگرف در ماهیت یک پدیده² و ریشه و اساس³ آن را گویند. تحول جزو سنت های الهی است که خداوند در قرآن به نمونه هایی از آن اشاره کرده است. مثلاً در آیه « فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا »⁴ یسر یا عسر از مصادیق سنتی هستند، و آن سنت تحول حوادث و تقلب احوال و بی دوامی همه شؤون زندگی دنیا است.⁵

تحول و دگرگونی در تاریخ جوامع نیز اتفاق می افتد. گاهی رفتار خود انسان ها عامل آن است « إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ »⁶ این آیه یک قانون کلی جامعه شناسی اسلام را بیان می کند که سرنوشت شما قبل از هر چیز و هر کس به دست خود شماست. این اصل قرآنی گواه این که بدبختی جوامع عقب افتاده از عوامل درونی ناشی می شود و اگر استعمارگران و جهان خواران در درون انسان ها و ملت ها پایگاهی نداشته باشند، نمی توانند کاری از پیش ببرند.⁷

1. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج 3، قم: نشر هجرت، چاپ: دوم، 1409 ه.ق، ص 299

2. فواد افرام بستانی، فرهنگ ابجدی - تهران: اسلامی، چاپ: دوم، 1375 ه.ش. ص 214

3. موسی، حسین یوسف، الإفصاح، ج 2؛ ص 1368

4. سوره انشراح (94)، آیه 5-6

5. محمدحسین طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 20، ص 532

6. سوره رعد (13)، آیه 11

7. محمدعلی رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج 10، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، چاپ: 1، 1387 ه.ش، ص 217

و گاهی تقوا عامل تحول و تغییر جامعه تاریخی می شود: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَأَتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۱ این یک سنت الهی است که افراد بی ایمان و آلوده و فاسد گرفتار انواع واکنشها در همین زندگی دنیای خود خواهند شد، گاهی بلاهای آسمان و زمین بر سر آنها می بارد، و گاهی آتش جنگهای جهانی یا منطقه ای سرمایه های آنها را در کام خود فرو می گیرد، و گاهی ناامنی های جسمانی و روانی آنها را تحت فشار قرار می دهد، و به تعبیر قرآن، این وابسته به کسب و اکتساب و اعمالی است که خود انسان انجام می دهد، فیض خدا محدود و ممنوع نیست، همانطور که مجازات او اختصاص به قوم و ملت معینی ندارد!^۲

پس با توجه به این که تحول به بشر وابسته است باید به امر تحول حوزه های علمیه، بنیادین توجه نمود. از این رو تحول با تصویب آیین نامه و ابلاغ آن اتفاق نمی افتد و با مصاحبه و گفتمان تعریف نمی شود؛ بلکه تحول به باور و اعتقاد مدیران و مشارکت فعال همه مجریان بستگی دارد. و این امر تدریجی و مستمر و دائمی باید باشد.

گیدنز، جامعه شناس معاصر، مهم ترین ویژگی عصر جدید را تغییر می داند. او معتقد است تغییر تقدیر مهم عصر جدید است و شدت تغییرات در 30 سال گذشته چنان سریع و عمیق تر شده است که تمام شئون اجتماعی از جمله سطح زندگی شخصی و اعتقادی را تحت سیطره خویش گرفته است. وی دو ویژگی تغییر در مدرنیته را شتاب دگرگونی در عصر مدرن و پهنه وسیع آن ذکر می کند، به گونه ای که موج های دگرگونی کم و بیش سراسر سطح زمین را در نور دیده اند. به نظر وی تغییرات در نظام های ارتباطی باعث شده که هیچ حاشیه امنی باقی نماند و نیروهای جهانی کننده ما را وا می دارند که به آنچه انجام می دهیم، ساختار جدیدی بدهیم.^۳

^۱ .سوره اعراف (7)، آیه 96

^۲ . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 6، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ: 10، 1371 ه.ش، ص 267

^۳ آنتونی گیدنز، کتاب ما، علوم علمی و اجتماعی، شماره 48-47؛ ص 52-51.

2. ارتجاع فکری

واژه «ارتجاع» به معانی واپس گرایی، بازگشت یا پافشاری بر آداب و عقاید باطل گذشتگان آمده است^۱ که نتیجه پس رفتن و به عقب برگشتن، مخالفت کردن با پیشرفت تکنولوژی و نوآوری در جهان امروز است. همچنین به معنای از کار افتادن چیزی و تبدیل شدن به چیز دیگر و تحول و تغییر آن به بهتر را نیز گویند.^۲

در اصطلاح علوم اجتماعی، این کلمه به معنای دفاع از وضعیت حاکمی که افول کرده و فرسوده شده و رو به زوال رفته است. یا این که با پیشرفت تکنولوژی و نوآوری و رو به جلو رفتن در ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اطلاق می شود.^۳

ارتجاع با «تجبر» به معنای تنگ نظری و بسته ذهنی و داشتن اندیشه ساکن و راکد ارتباط دارد^۴ و مفاهیم جمود، تجبر، و کهنه پرستی نیز به مفهوم ارتجاع نزدیک اند و گاه مترادف به کار رفته اند.^۵

مرتجع به کسی گفته می شود که بر حفظ وضع موجود پافشاری می کند و با اندیشه بازگشت به گذشته با هر گونه پیشرفت و تغییر در اجتماع و اقتصاد و سیاست مخالف است؛ از این رو از حاکمان مستبد، کلیسای کاتولیک و اشرافیت موروثی که سد راه ترقی و پیشرفت به سوی عدالت بوده اند با عنوان نیروهای ارتجاع یاد شده است.^۶

1. مبارک بن محمد، ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج 2، ص 201

2. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج 5، ص 151

3. داریوش آشوری، فرهنگ سیاسی، تهران: مروارید، چاپ سیزدهم، 1368، ص 5

4. محمد اسفندیاری، جمود و خمود، قم، صحیفه خرد، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش. ۵۳.

5. فرج الله خداپرستی، فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی، شیراز، دانشنامه فارس، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش. ص ۲۴.

6. محمود طلوعی، فرهنگ جامع علوم سیاسی، تهران: علم، چاپ سوم، 1385، ص ۱۲۸؛ علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ روابط بین الملل، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه، چاپ چهارم، ۱۳۸۵، ص ۱۷.

7. پاشایی، ع، فرهنگ جامع، تهران، مازیار، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش. ص ۶۲.

ارتجاع امری نسبی است و ممکن است امری از مصادیق واپسگرایی شمرده شود؛ در حالی که همان در شرایط و جامعه‌ای دیگر از مصادیق پیشرفت و ترقی به شمار رود؛^۱ بر همین اساس هر گونه بازگشت به گذشته ارتجاع نیست، بلکه بازگشتی که انحطاطی، مخالف فطرت و ارزش‌های الهی باشد، ارتجاع است؛^۲ از همین رو تخلف از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دستورهای قرآن کریم در نوع خود بدترین شکل عقب‌گرد و ارتجاع است.^۳

امام خمینی با اشاره به اینکه دستورهای مذهبی اسلام مترقی‌ترین دستورهاست،^۴ انحطاط اخلاقی، فکری و عملی^۵ نیز پیروی محض از دیگران^۶ را از ماهیت ارتجاع حقیقی دانسته و حفظ عزت، بزرگی و استقلال را ارزش‌هایی ضد ارتجاعی^۷ می‌داند. ایشان با تاکید بر اینکه مردم باید به پیش بروند و در فکر پیشرفت باشند و به عقب برنگردند، در مواردی نسبت دادن ارتجاع و عقب‌ماندگی به مسلمانان را نوعی تکفیر مؤمنان شمرده است؛^۸ چنان‌که افکار و نظرات و اندیشه‌های کمونیستی را ارتجاعی می‌دانست و معتقد بود شعار کمونیست‌ها که می‌گویند «دین افیون توده‌هاست» مصداق ارتجاع کمونیسم و برای چپاول مردم است.^۹

۱. غلامرضا علی‌بابایی، فرهنگ روابط بین‌الملل، ص ۱۷؛ آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، چاپ سوم، ۱۳۸۹ ش. ص ۵۶۹.

۲. جلال‌الدین فارسی، انقلاب تکاملی اسلام، تهران، آسیا، ۱۳۴۹ ش. ص، ۴۰۳-۴۰۰.

۳. همان، ص ۴۰۸-۴۰۶.

۴. روح‌الله خمینی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم...، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش، ج ۶، ص ۲۱۹.

۵. همان، ج ۱۲، ص ۳۶۶.

۶. همان، ج ۱، ص ۲۸۸ و ۲۹۶-۲۹۴.

۷. روح‌الله خمینی، صحیفه، ج ۱، ص ۲۸۸.

۸. همان، ج ۹، ص ۱۷۶؛ خمینی، سیدروح‌الله، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ ش. ۴۵۶.

۹. روح‌الله خمینی، صحیفه، ج ۴، ص ۱۷.

و سودای اولیاء خداست، یا ابزار بازرگانی و سودای آنهاست؛ می‌توانند از دنیا برای رسیدن به تعالی معنوی استفاده کنند.^۱

5. غفلت از جهاد تبیین

از عوامل دوری حوزه های علمیه از نوآوری در آموزه های دین، غفلت از تبیین مسائل و مباحث دین برای مردم است. که حضرت امام خامنه ای آن را به عنوان جهاد وظیفه‌ی خواص دانسته که در مواقع لازم، باید تردیدافکنی و شک‌آفرینی دشمن را خنثی کنند و [مسائل را] تبیین کنند.^۲ ارتجاع فکری، غفلت از جهاد تبیین است. «جهاد تبیین» واژه ای دو کلمه ای که به معنای تلاش و کوشش جهت رفع و دفع و مقابله با هدف های دشمن است که او تلاش می کند، اذهان مردم ایران به ویژه جوانان را غبار آلوده کند. واژه تبیین در آیه «لَتَبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ»^۳ آمده است.

جمله «لَتَبَيِّنَنَّ»^۴ با اینکه با لام قسم و نون تاکید ثقیله همراه است، نهایت تاکید را می‌رساند، و جمله «وَلَا تَكْتُمُونَهُ» که دستور بعدم کتمان می‌دهد، در پشت سر آن تبیین را قوی تر کرده است. از مجموع این تعبیرات برمی‌آید که خداوند بوسیله پیامبران پیشین، مؤکدترین پیمان را از آنها برای بیان حقایق گرفته بوده، اما با این همه، یهودیان در این پیمان محکم الهی خیانت کردند و حقایق کتب آسمانی را کتمان نمودند.^۵

یکی از نقشه‌های دشمنان وارونه جلوه دادن مسائل و خلط حق و باطل و به تعبیری تحریف مسائل به نفع خود و ایجاد شبهه در اذهان است. در سال‌های اخیر با توجه به هجمه‌ی گسترده دشمنان انقلاب اسلامی و تلاش برای نشر اطلاعات نادرست و تحریف واقعیات در رابطه با عملکرد و دستاوردهای کشور در عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علم و فناوری، موضوع «جهاد تبیین»، به عنوانی تلاشی جهادگونه در راستای خنثی سازی اهداف مغرضانه دشمنان مطرح گردید. از آنجا که جهاد تبیین به عنوان فرایندی اجتماعی جهت تغییر وضعیت ابهام آلود به

۱. علی خامنه‌ای، بیانات، ج ۲۷، ص ۲۴

۲. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش. 16/ 11/ 1402

۳. سوره آل عمران(3)، آیه 187

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 3، ص 205

وضعیت شفاف و مبتنی بر آگاهی بخشی تلقی می گردد، وظیفه همه مردم و مسئولین است که با شفاف سازی و بیان حقایق برای نسل جدید، گذشته را آن چنان که بوده ترسیم کنند.

دشمن از ابزار جنگ شناختی و ترکیبی استفاده کرده و هدف اصلی او فروپاشی اجتماعی، فروپاشی ساختاری و فروپاشی سرزمینی، از طریق دو راهبرد اصلی بی ثبات سازی و نفوذ به صورت هدفمند، با بهره گیری از مجموعه ای از فناوری های همگرا دنبال می کند.

و راه مقابله با این جنگ که تشخیص آن برای افراد سخت و در سپاه دشمن غور کردن و اسیر دشمن شدن خیلی نرم و بی سر و صدا می باشد، آمادگی شناختی مردم در مباحث اعتقادی، اجتماعی و روان شناسی است و رهبر انقلاب برای مبارزه با این جنگ جهاد تبیین یا نهضت روشنگری را بیان کردند.

جبهه استکبار از همان ابتدای پیروزی انقلاب و تکوین نظام اسلامی، سعی داشت که با نقشه ها و ابزارهای مختلف آن را سرکوب یا استحاله نموده و پیام انقلاب و دستاوردهای بزرگ آن را تحریف نماید. لذا از ابزارهایی مثل دروغ، ابهام افکنی، واورنه نشان دادن واقعیت ها برای غلبه بر قلب و اذهان مردم استفاده نمود. و جهاد تبیین که در آن بیان حقایق شود علاجی در خاموشی این فتنه ها است. که اگر غفلت کنیم به ارتجاع فکری دچار شده و راه برگشت سخت می شود.

امام خامنه ای جهاد تبیین را جهاد کبیر خواندند.^۱ ویژگی هایی آن را چنین بیان کردند: این جهاد هوشمندی لازم دارد، این جهاد اخلاص لازم دارد. این جهاد مثل جهاد نظامی نیست که کسانی در آنجا بدرخشند و چه شهیدشان، چه زنده شان و چه جانبازشان مثل قهرمان نشان داده بشوند، این جهاد جهادی است که ممکن است کسی خیلی هم زحمت بکشد، اما چهره ی او را هیچ کس نشناسد.^۲

و آثار آن را بدین شرح بیان کردند: «امروز دشمن، به دنبال تحریف حقایق در چشم مردم است تا بتواند عمل و بازو و اراده ی مردم را به سمت گمراهی بکشاند که نمونه بارز آن تطهیر و پاک سازی جنایات رژیم منحوس پهلوی

۱. علی خامنه ای، بیانات، ج ۳۸، ص ۱۹

۲. علی خامنه ای، بیانات، ج ۳۸، ص ۱۹

است.^۱ و تأثیر دیگرگفتمان سازی در مسائل جدید و گوناگون در جهت عملیاتی شدن ارزش‌های انقلاب که ریشه در مبانی محکم دین اسلام دارند. رهبری می‌فرماید: «ایجاد یک فکر، یک گفتمان، یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص و اندیشمندان جامعه است؛ آن‌ها هستند که می‌توانند فکر ملت‌ها را به سمتی جهت داده و هدایت نمایند که مایه‌ی نجات ملت‌ها شود.»^۲

از اصول حکومتی و تشکیل آن، علاوه بر رهبر آگاه و بصیر و سرزمینی که حکمرانی در آن صورت گیرد باید مردمی در آن سرزمین باشند تا رهبری را بپذیرند. پس حضور مردم در همه صحنه‌های اجتماعی از قبیل انتخابات، راهپیمایی‌ها، جمعه و جماعات و مساجد لازم و ضروری است. زیرا اگر تبیین به‌هنگام و درست انجام پذیرد، اهداف دشمن جهت ناامیدسازی، شک و تردید و بدبینی به نظام اسلامی در بین جمعیت جوان و عموم جامعه، از بین خواهد رفت. چراکه غفلت از حیل‌های دشمن، فرصت‌آفرین می‌باشد.^۳ باید به اقشار مختلف مردم بها داده شود. و نظرات آنها محترم شمرده شود. و با تبیین درست و بیان حقایق صحیح و بدون غلّ و غش می‌توان ائتلاف بین قلوب مردم جامعه ایجاد کرد.

نتیجه

ارتجاع فکری، جلوی نفوذ اسلام و مسلمین را در جامعه می‌گیرد و به نام اسلام، به اسلام ضربه می‌زنند. و این‌ها سدّ پیشرفت حرکت‌های مردمی و انقلابی می‌شوند. و این نفوذ آنها در حوزه‌های علمیه بیشتر خود را نشان می‌دهد. در تعیین قوانین خشک و دست و پاگیر که خاصیت و اثری غیر از عقب ماندن ندارد. و نیز نگاه ظاهر بینانه‌ای که متأسفانه به امورات اجرایی و روی کاغذ آوردن و گزارش دادن از مسائلی که فرهنگی و زمان بر است که غیر از بدبینی به آن طرح و کار و هزینه‌های هنگفت اجرایی چیزی پشت سر ندارد. به همین خاطر باید ریشه ارتجاع فکری در حوزه‌های علمیه خشکانده شود و با نوآوری در سرفصل‌های دروس و کتابها و کاربردی نمودن دروس حوزوی برای زندگی فردی و اجتماعی طلاب به رفع موانع ارتجاع فکری کمک کنیم. بامید آن روز

۱. همان، (در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷).

۲. همان (دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱).

۳. همان

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

1. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج 2، ریاض : دار ابن الجوزی، 1380 ش.
2. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، قم: الشریف الرضی، چاپ: اول، بی تا.
3. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج 5، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، 1414 ق.
4. اسفندیاری، محمد، جمود و خمود، قم، صحیفه خرد، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش.
5. آشوری، داریوش، فرهنگ سیاسی، تهران: مروارید، چاپ سیزدهم، 1368
6. آقابخشی، علی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، چاپ سوم، ۱۳۸۹ ش.
7. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی - تهران: اسلامی، چاپ: دوم، 1375 ه. ش.
8. پاشایی، ع، فرهنگ جامع، تهران، مازیار، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
9. جمعی از نویسندگان، تعلیم قرآنی، ج 6، تهران: نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ: 1، 1382 ه. ش.
10. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم: اسراء، چاپ ششم، 1389.
11. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 16، مترجم: گروهی از محققین مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، نشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان 1400 ه. ش.
12. حسین یوسف، موسی، الإفصاح، ج 2؛
13. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، معادشناسی، ج 5، مشهد: نورملکوت قرآن، چاپ اول، 1423.
14. حکیمی، محمدرضا، محمد، علی، الحیاء، ج 1، ترجمه احمد آرام، تهران، چاپ: اول، 1380 ش.
15. خامنه‌ای، علی، 72 سخن عاشورایی از بیانات رهبری، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، 1394 ه. ش.
16. خامنه‌ای، علی، نهج البلاغه: شرح خطبه اول در موضوع نبوت، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، 1399 ه. ش.
17. خداپرستی، فرج الله، فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی، شیراز، دانشنامه فارس، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
18. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش.
19. خمینی، سید روح الله، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ ش.
20. دائرة المعارف اسلامی طهور، نگاه ابزاری به دین از نظر امام علی و امام حسین، قم: موسسه فرهنگی هنری جام طهور، چاپ اول، 1395، ص 244-247
21. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: مشهور، چاپ: اول، 1379 ش.
22. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، ج 10، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، چاپ: 1، 1387 ه. ش.
23. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: سید محمدباقر همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، 1375..
24. طلوعی، محمود، فرهنگ جامع علوم سیاسی، تهران: علم، چاپ سوم، 1385.

25. علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه، چاپ چهارم، ۱۷، 1385.
26. فارسی، جلال‌الدین، انقلاب تکاملی اسلام، تهران، آسیا، ۱۳۴۹ ش.
27. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج 3، قم: نشر هجرت، چاپ: دوم، 1409 ه.ق،
28. گیدنز، آنتونی، کتاب ما، علوم علمی و اجتماعی، شماره 47-48؛
29. مبانی علم خلاقیت شناسی، دانش خلاقیت و نوآوری، برگرفته از سایت: inini
30. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد، ج 2، تهران: صدرا، چاپ بیستم، 1395.
31. مکارم شیرازی، ناصر، مثالهای زیبای قرآن، ج 2، قم: نسل جوان، چاپ: 1، 1382 ه.ش.
32. _____، تفسیر نمونه، ج 6، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ: 10، 1371 ه.ش
33. منسوب به جعفر بن محمد صادق ع، مصباح الشریعة - بیروت، چاپ: اول، 1400 ق.
34. نمایندگی ولی فقیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. معارف قرآن، ج 1، چاپ چهارم، 1376.
35. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراءة فی شرح نهج البلاغة (خوئی)، ج 15، تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ: چهارم، 1400 ق،